

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۳ برابر ۱۸ مه ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۷

رای ندادن به کاندیداهای حکومتی رای عدم اعتماد مردم به سیاستهای حکومت

مرحله دوم انتخابات مجلس دیروز در شرایطی آغاز گشت که مردم مادر مرحله اول آن، به روشنی مهر و نشان خود را بر آن کو بید نمودند. رای مخالف آنان نسبت به سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی حاکمیت، نسبت به جنگ افروزیهای خانمانسوز، نسبت به پایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی مردم، نسبت به حکومت دروغ و ریا، سازش و خیانت بروشنی از رای آمارهای رسماً اعلام شده حکومت هویداست.

مخالفت مردم خود را به اشکال مختلف به نمایش گذاشت. رای سفید، رای به افراد غیر از کاندیدها، رای به کاندیدهایی که در مقابل کاندیدهای حکومتی بویژه حزب جمهوری قرارداد شدند. رای ندادن به کاندیداهای "تجار محترم" مورد توجه خاص حکومت، رای به مایحتاج روزانه همه و همه رای منفی مردم بسوی سیاستهای حکومت خائن به اهداف انقلاب بهمن.

بر اساس اخبار رسیده درخانی آباد و یاخچی آباد تهران جمعا ۷۰ هزار رای باطله از صندوقها بیرون آمد. آرای بسیاری به نام "شیخ حسن جوری" از رهبران سرداران و "قاضی القضاة باشتینی" از پرسوناژهای یک سریال تلویزیونی ریخته شد. بقیه در صفحه ۲

در حاشیه نمایشات تلویزیونی اخیر
زمین، احمقها را هم
می گرداند
در صفحه ۲

کارگران آگاه می گویند:

بوسه های عوامفریبانه بردست و پا ارزانی خودتان ما حقوقمان را می خواهیم

سخنرانی خود در نمازخانه کارخانه "ایران ترانسفو" خطاب به کارگران گفت: "من پای شما و همه کسانی که به جیبه رفته اند را می بوسم ولی اگر شما نتوانستید به جیبه هم بروید، محل کار شما جیبه است از این محل پیکان تیز خود را بسوی کسانی که می خواهند ما را وابسته نگاهدارند پرتاب کنید." (اطلاعات ۱۲ اردیبهشت) کارگران بقیه در صفحه ۳

جنبش مطالباتی کارگران روز بروز توانمندتر و صدای اعتراض آنان رساتر می گردد. کارگران در زندگی روزمره خود می بینند، که دستمزدهای اندک، کفاف هزینه خوراک و مسکن آنها را نمی دهد. از حق شکل برخوردار نیستند و قانون کاری که از حقوق آنها دفاع کند وجود ندارد و جمهوری اسلامی برای افزایش تولید بهر قیمت، از آنها جانبازی و کارجنگی و جیبهای در کارخانه را می طلبد. آقای رئیس جمهور طی

خامنه ای خطاب به ارتجاع منطقه:

"ما مایلیم با شما متحد باشیم"

امام جمعه تهران و رئیس شورایی دفاع در مدخل بحث مربوط به "تحریکات سیاسی آمریکا" گفت: "این اشتباه است که کشورهای همسایه ما در خلیج فارس از ما در هراس باشند. این، توطئه آمریکا است. نظام جمهوری اسلامی ایران بقیه در صفحه ۶

علی خامنه ای رئیس جمهور در نماز جمعه ۲۱ اردیبهشت تهران، در مورد جنگ با عراق و اوضاع منطقه اظهاراتی کرد که قطعاً باید به عنوان موضع رسمی جمهوری اسلامی تلقی شود و بهمین دلیل، توجه به آن برای شناخت بهتر سیاست حکومت در قبال مسائل نامبرده ضروری است.

جمهوری اسلامی:

حکومت "تعزیر" و "قصاص"، ترور و اختناق

در اسرع وقت تنظیم و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال شود. شاید انشا الله این لایحه در همین دوره مجلس یعنی در پایان دوره اول به تصویب برسد. (اطلاعات ۱۵ اردیبهشت)
این "مژده" ی آقای مقتدایی حاکی بقیه در صفحه ۵

مرتضی مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد: "لایحه تخفیرات اسلامی که مشتمل بر موارد بسیاری هست در جلسه شورای مطرح شد و مقرر گردید که از هفته آینده جلسات فوق العاده ای بررسی این لایحه تشکیل تا

سیاست مالیاتی حکومت در خدمت تجار بزرگ است

در هیات دولت و سپس در مجلس، در آیینیه نزدیک بحث درباره مسئله مالیاتها بار دیگر بالا گیرد. از اینرو لازم دیدیم نگاهی به سیاست مالیاتی حکومت داشته باشیم. بقیه در صفحه ۴

اخیرا اعلام شد که وزارت امور اقتصادی و دارایی کار تدوین پیش نویس قانون جدید مالیاتی را با تمام رسانیده است (اطلاعات پنجم فروردین - مصاحبه با کارشناسان مالیاتی). بدین ترتیب باید انتظار داشت با بررسی این لایحه

تجاوز نظامی آمریکا بروایت رئیس مجلس در صفحه ۴

جمهوری اسلامی و امپریالیسم خبری در صفحه ۹

آلمان فدرال از فرستاده جمهوری اسلامی اعاده حیثیت می کند در صفحه ۸

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

رای ندادن به کاندیداهای حکومتی رای عدم اعتماد مردم به سیاستهای حکومت

بقیه از صفحه اول

توسط شو رای نگهبان منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان در همین رابطه بود.

اما قاطع ترین رای مخالف مردم نسبت به سیاستهای حکومت در طرد کاندیداهای معرفی شده از بازار این "استوانه های انقلاب" تجلی یافت. بازار که بیش از بیست میلیون تومان در تهران صرف مخارج تبلیغاتی کرده بود نتوانست کاندیداهای خود را به کرسی بنشاند و چهره های معروف و آبرو باخته ای چون خاموشی و پوراستاد با تعداد ناچیزی رای حتی به دو ردم نیز نرسیدند و روسیاهی بیشتری برای رفسنجانی ها ماند که در انتخابات میاندوهرای با حمایتهای خود این دو را به مجلس فرستادند.

فراخوان کمیته مرکزی سازمان فداایان خلق ایران و حزب توده ایران در دادن رای مخالف به نامزد های ارایه شده از طرف نهاد های وابسته به حکام چ.ا.و رهنمودی بود که عمیقاً با سطح و شرایط کنونی مبارزات مردم مانطیاق داشت و مردم با عمل خود در حقیقت به سیاست حزب و سازمان رای اعتماد دادند.

مردم با استفاده از سلاح طنز حاکمیت فریبکاران و "لشکر غم" را به سخره گرفتند. در برخی حوزه ها پیوه شهرستانها آرایسی بنام برخی از خوانندگان سابق به صندوق ریخته شد. در این زمینه بیشترین آرایوه در جنوب شهر تهران بنام گوشت و برنج به صندوق ریخته شد. رای دادن به کاندیداهایی بجز کاندیداهای حکومتی جلوه بارز مخالفت با سیاستهای حاکم است. ترکیه نمونه گویای این مدعاست. مردم ترکیه که بطرق مختلف مجبور به شرکت در انتخابات بودند نفرت خود از نظامیان حاکم را برای دادن به حزب (مام میهن) اوزال نشان دادند. رای مردم ترکیه به اوزال نه رای مثبت به وی که رای منفی به حکومت ژنرالها بود. در ایران نیز در بسیاری از حوزه ها کاندیداهای حکومتی و پیوه حزب جمهوری بهمین سرنوشت دچار شدند. ابطال انتخابات حوزه های آمل، اصفهان، شیراز، اهر و ...

نظر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع درباره پیش نویس جدید قانون کار

پس از انتشار پیش نویس جدید قانون کار، انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع طی یک اعلامیه چهار صفحه ای نظر خود را درباره این پیش نویس تشریح کرد که این اعلامیه مدتی پیش در داخل کشور پخش شده است.

نظریه اهمیت این اعلامیه، در زیر قسمتهایی از آن را درج می کنیم:

دراغز اعلامیه آمده است:

"پنجمین سالگرد انقلاب را در شرایطی پشت سر گذاشتیم که مصیبت های جنگ خائنانه و خسارات حملات متعدد آن بردوش توده های زحمتکش شهروست سنگینی می کند. سرمایه ها که امکان رویهم انباشته می شود و هیات حاکمه کشور بیشتر در دست مستکبران و عوامل رنگارنگ آنان متمرکز می گردد و در تقه ان حاکم کینه مطابق میل امپریالیسم و در زاس آنان آمریکای انجانی کار عمل می کند عرصه زندگی را بر توده های میلیونی جامعه تنگ و تنگ تر ساخته و بصورتی

عمل کرده اند که شور و نشاط اولیه جشن بزرگ انقلاب تد رجا از دل و جان کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه خارج شود. در چنین وضع و حالی طبیعی است که مراسم برگزاری سالگرد انقلاب بی رونق گردد."

در ادامه، با اشاره به اینکه هیات حاکمه کارگران را با پیش نویس توکلی به "مرگ" گرفته بود که به "تب" پیش نویس جدید راضی شوند، موارد در تضاد قرار گرفتن پیش نویس جدید با اصول مترقی و مردمی قانون اساسی و حقوق کارگران بر شمرده است.

انجمن همبستگی، بخش مربوط به "شوراهای اسلامی" پیش نویس جدید را مغایر اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی دانسته است.

"در تشکیل شوراهای اسلامی کارگران آزاد نیستند نمایندگان دلخواه خود را انتخاب کنند، آنان مقید شده اند که بندهای

در حاشیه نمایشات تلویزیونی اخیر زمین، احمقها را هم می گرداند

"موضوع قرار داشتن خورشید در مرکز عالم ... ابلهانه و بی معنی بوده و با اصول تعلیمات کتاب مقدس ... مغایرت دارد. موضوع قرار داشتن زمین در مرکز جهان ... از نظر فلسفی مستوجب تبصیح است ..."

درست ۲۵۱ سال از صدور این حکم تاریخی میگذرد. اما نه، این دیگر حتی تکرار یک پردمای از تاریخ هم نیست. این فقط نمایشی است از سفاقت و عقب ماندگی، توانمان بسا شقاوت و درنده خوی.

این بار مطلب، مخالفت، حرکت زمینی و ثابت بودن خورشید با نوشته های کتاب مقدس نیست، حماقت از آن دم بیشتر است: توطئه سکوت شرق و غرب، در برابر کشفاتی بایسن عظمت که شریعت سنگلجی آدمی مترقی نبود کسوی با بهائیان مغالنه میکرد و رضاشاه را شورویها سرکار آوردند؟! مگر حاصل بهارزه طلپیدن "آکادمی" توسط "حوزه" غیر از این هم میشود؟

کدی نیست، مضحک است. تاسفبار نیست، چند شا انگیز است. این بار دیگر دانش و خرد انسانی نیست که بحاکمه وانکار کشیده میشوند، اینجا به انسانیت تف میشود.

راستی چه چیزی نقش "پا" ی غالیله را تکرار میکند؟ یکسالی که گذشت تا نمایش آماده گردد؟ بی باوری تماشاگر؟ چهره تکیده و فک های کج شده محکم؟ نه نه، رسالت بازی این نقش را فقط حقارت اندیشه نوسنده نمایش بر عهده دارد. آخر وقتی جلاد کارگردان باشد و مکتبی ابله هم نمایشنامه نویس، مگر بیش از این هم میشود انتظار داشت؟

نه، دیگر بآن جمله معروف و تاریخی هم نیازی نیست، چون زمین احمقها را هم بسا خود میگرداند، ولی اگر برای آنها نه، شاید برای "هرگاه و گند چال دهانی" که بسا ماسکهای انقلابی و ادا های روشنفکرانه، هم صدا

با دخیمان قرون وسطایی، فریاد "بن بست" "هر شکستگی"، "سراب" و غیره سر میدهد لازم به تکرار باشد که: "با همه اینها، حرکت میکند."

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

کارگران آگاه می گویند: بوسه های عوامفریبانه بردست و پا ارزانی خودتان ما حقوقمان را می خواهیم

بقیه از صفحه اول

آگاه و انقلابی می گویند، بوسه های عوامفریبانه بردست و پا از آن خودتان، ماحقوق خودتان را می خواهیم و آنها بدستی تشخیص می دهند که چه کسانی می خواهند، ما را وابسته به انحصارات نگه دارند و پیکان تیز خود را نیزه می کنند.

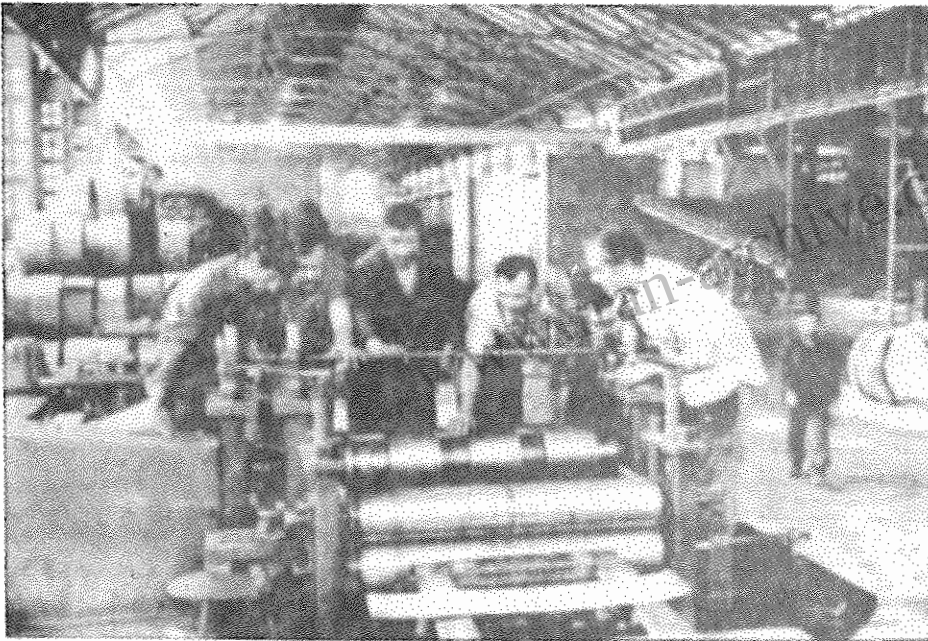
جمهوری اسلامی که اکنون به کاریست شعارافزایش تولید بهره ریتی پرداخته، از کارگران می خواهد درقبال شدت کاری که به آنها تحمیل می کند، سخنی از افزایش دستمزد، اعتصاب و مطالبه حقوق درپیان نباشد. آقای رفسنجانی از کارگران می خواهد به حق! که جمهوری اسلامی برای آنان قایل می شود قانع باشند و آقای موسوی اردبیلی این ترجیح - بند جمهوری اسلامی را تکرار کرده و جان کلام سیاستهای ضد کارگری هیأت حاکمه را بیان می کند: "کارگران عزیز! معنای یک انسان انقلابی این نیست که اعتصاب کند، و تقاضای یک ساعته کار کارگاهش یافته و حقوق افزایش یابد. اینکه کارگر انقلابی نیست (۱۱)" (خطبه نماز روز ۱۴ اردیبهشت).

البته جمهوری اسلامی پاسخ این مساله را که پس چه کسی انقلابی است؟ دراستیسن دارد. وی ادامه می دهد: "انقلابی این است که ساعات کاریش تر تعطیلات عمومی کمتر، تولید بالاتر، خرابی های سابق درست شود... ساعات اداری را اضافه کنیم، تعطیلات را کم کنیم، شیفته راد و شیفته و سه شیفته کنیم، تولید را افزایش دهیم." (روز نامه جمهوری اسلامی ۱۵ اردیبهشت).

خواسته های بی پرده جمهوری اسلامی از کارگران این است: افزایش تولید، ثابت نگهداشتن دستمزد، افزایش ساعات کار، افزایش شدت کار، کاهش تعطیلی ها و هراقدامی که در بهره گشی بیشتر از کارگران و پرداخت هزینه کمتر موثر باشد. جمهوری اسلامی در تلاش تحمیل این خواسته های ضد کارگری و ضد انسانی با ابزارگو ناگون به کارگران است. ابزارهایی را که جمهوری اسلامی برای پیش بردن سیاستهای ضد کارگری خود بخدمت گرفته، همان حربه های کهنه سرمایه داری، عوامفریبی و تحمیل، ایجاد تفرقه و سرکوب است. ابزار عوامفریبی و تحمیل که در همه جوامع سرمایه داری با سوم کمو نیم ستیزی و شوروی ستیزی آغشته است، در جمهوری اسلامی با سوء استفاده شایدانه از اعتقادات مذهبی کارگران همراه می گردد.

پیامها و سخنرانیهایی که دست اندرکاران حکومت به مناسبت اول ماه مه در سال جاری داشتند - در تمام سیاستهای گذشته - نشانگر بارز بهره گیری از این حربه عوامفریبانه بود که در زمانی جز آنکه چ ۱۰ برای کارگران ترسیم می کند وجود ندارد. در این د و رنمای چ ۱۰ هر روز روز کارگراست، زیرا صدها کارگر در راه اهداف جنگ طلبانه و مداخله - گرانه سران چ ۱۰ کشته می شوند. در این د و رنما همه طبقات و اقشار زحمتکش و استثمارگر با اصطلاح "وحدت کلمه" دارند. جشنهای کارگریش با حضور کارفرمایان در صف اول و در

تأمین و تثبیت منافع سرمایه داران و زمینداران می خواهد کارگران پراکنده باشند و هیچگونه شکل مستقلی نداشته باشند و با بکارگرفتگی، ابزار خمرچینی و جاسوسی در درون کارخانجات، از طریق انجمن های اسلامی در پی طرد فعالین کارگری از کارخانه است. ظرف سالهای گذشته تعداد زیادی از شوراهای کارگری منحل شده و بسیاری از فعالین کارگری اخراج شده اند. حکومت که میطلبد "کارگران، اقتصاد فقهتی را شعار قرار دهند" (رفسنجانی، اطلاعات ۱۳ اردیبهشت) و همه توان خود را بکار میگیرد تا نگذارد کارگران متشکل شوند. بدیهی ترین



حق کارگران را که تمامی رژیمهای سرمایه داری پذیرفته اند نقض می کند. حربه دیگر جمهوری اسلامی برای بردن سیاستهای دشمنانه خود با کارگران سیاست سرکوب است. گسترش خفقان و س قرون وسطایی و گسترش رژیم پلیسی به س سایر بازار ستیز با کارگران برای تحکیم مناس سرمایه داران سیاست عمومی حکومت مصاف با مبارزات حق طلبانه کارگران "رهبری جمهوری اسلامی در راه از منافع کلان سرمایه داران و بزرگان برای پیوند راه دوستی و اتحاد قوا به سرکوب انقلابیون کمونیست پشاهانگان طبقه کارگر و کارگران شده است... آنها اعتصابات و

حسینیه ها و نمازخانه ها برگزار می شود. زیرا روزه داری این یان است و تنها نکته ای که نمی تواند مطرح گردد، مطالبات بحقوق کارگران زحمتکش است. مشخص است که سانسیکه چنین زندگی فلاکت بار و محنت زده ای را برای مردم زحمتکش فراهم کرد و چونان د و رنمای غم انگیزتری را برای آنان ترسیم کنند باید برای خوراندن این گنه گنه و حنظل های سرمایه داری چنین افسارگسیخته علیه سوسایلیسم علمی، اندیشه د و ران ساز و خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران و علیه کشورهای سوسایلیستی بویژه اتحاد شوروی لجن پراکنی کنند. حربه دیگر چ ۱۰ علیه کارگران ایجاد تفرقه و استفاده از این تزارتجافی "تفرقه بینداز و حکومت کن" است. حکومت برای

د
یا
بر
مرد
آنها
از زنا
احیاء
است.

سیاست مالیاتی حکومت در خدمت تجار بزرگ است

بقیه از صفحه اول

از دیرباز عده ترین خواست مردم و نیروهای انقلابی در این رابطه، دگرگونی بنیادی سیستم مالیاتی بازمانده از رژیم شاه بوده است. این نظام مالیاتی همانگونه که حتی در فاصله به ششم فروردین ماه اطلاعات با موسوی خویینی ها نیز آمده، بسیار غیرعادلانه است. در این سیستم، مالیات عده را حقوق بگیران زحمتکش میبرد ازند. طبق آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران، در سال ۶۰ - ۶۱ مالیات پرداختی توسط حقوق بگیران حدود ۳ برابر مالیات پرداختی توسط مشاغل بوده است. یعنی بخش خصوصی که درآمدش چند برابر مجموع حقوق کارگران و کارمندان بخش دولتی است، تنها یک سوم مالیاتی را پرداخت میکند که حکومت، به گفته رفسنجانی رئیس مجلس، اول هر ماه "خیلی راحت" از حساب حقوق بگیرها بر میدارد.

تحول بنیادی در این نظام مالیاتی، ضرورتی است که از فردای انقلاب همواره احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی بر آن پافشاری کرده اند.

اما آیا بحث پیرامون مالیاتها در محافل حکومتی نیز از همین زاویه آغاز شد؟ پاسخ منفی است. سران حکومت اگر به فکر زحمتکشان حقوق بگیر بودند، مبیاضی مدتها پیش به خواست آنها پاسخ مثبت میدادند و برای تحول سیستم مالیاتی اقدام میکردند. رهبران جمهوری اسلامی وقتی به یاد مالیاتها افتادند که وضع مالی حکومت به شدت بحرانی شد. علیرغم وعدهای که دولت در هنگام تصویب بودجه سال ۶۲ داده بود، در بودجه سال ۶۳ نیز کسری بودجه از بین نرفت. طبق اظهارات یانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، این بودجه ۴ هزار میلیارد ریالی، ۳۰۶ میلیارد ریال کسری دارد. البته ارقامی که حکومت در اینگونه موارد ارائه میدهد، بسیار پایین تر از رقم واقعی است. به گفته نماینده دزفول در مجلس، این کسر بودجه به هزار میلیارد ریال (یعنی ۲۵ درصد) بالغ میشود.

این اوضاع بحرانی که علی رغم پیشبرد سیاست فروش نفت با قیمت نازل بوجود آمده، پیش از هر چیز ناشی از جنگ است. علاوه بر بودجه ای که همه ساله بعنوان هزینه جنگ در نظر میگردد و بگفته نخست وزیر حدود یک سوم کل بودجه است - هر از چندی - متعم بودجه ای نیز به مجلس میبرند که جز قانونیت بخشیدن به خالی کردن باز هم بیشتر کیسه مردم به نفع انحصارات تسلیحاتی و واسطه های آنها نیست. حکومت جمهوری اسلامی هم اکنون از زبان رئیس مجلس رسماً اعلام کرده که در صدد احیاء قراردادهای تسلیحاتی با آمریکا و انگلیس است. علاوه بر خرید تسلیحات به قیمت های

حقوق ها خواهد شد و باز هم از کیسه مردم خواهد رفت. در جمهوری اسلامی کار حتی بجایی کشیده شده که سرمایه داران اصل مالیات را در مورد خودشان زیر سوال شرعی میبرند. رهبران جمهوری اسلامی هم صد البته مواظب هستند که به اینان "ظلم" نشود! در اینباره حرفهای رفسنجانی را بشنویم: "البته به وزیر دارایی عرض میکنم که مترصد باشند به شما (سرمایه داران) ظلم نکنند" (۲۲ دی ۶۲). یعنی حکومت به سرمایه داران اطمینان میدهد که نگران سودهای میلیاردری و بادآورده خود نباشند. یعنی سیاقی وزیر اقتصاد و دارائی تجار بزرگ را مشمول عنایت و رحمت حکومت قرار دهد. محتوی واقعی این توصیه در اظهارات معاون وزیر انحصار یافت: "قرار شد جامعه روحانیت مبارز (کسبه مورد توجه خاص تجار محترم است) نمایندگانی بدهند و از معتدین این صنف (بازار) ۵۰۰ هم استفاده بشود و یا نماینده وزارت امور اقتصاد و دارائی به درآمد واقعی اصناف برسند که بتوانیم به مالیات عادلانه دست پیدا کنیم." (۱۰ دی ۶۰). این توصیه در عین حال در سرنوشت مالیات هایی که قبلاً برای "تجار محترم" تعیین شده بود چنین تاثیر میگذارد: "در مورد مالیات هائیکه قبلاً تشخیص داده بودیم نحوه کمیسیون و شکل کمیسیون را عوض کردیم،" بقیه در صفحه ۵

تجاوز نظامی آمریکا بروایت رئیس مجلس

که ما از این امریکاییها بترسیم.

تذکر چند نکته درباره این افاضات امام جمعه وقت تهران ضروری به نظرمی رسد. اول اینکه اگر فرض را بر این بگذاریم، که آمریکا بجای ۸ هلی کوپتر، ۱۶ هلی کوپتر وارد عمل می کرد، بطوریکه ۶ هلی کوپتر می توانستند خود را به مقصد برسانند، و اگر مقامات آمریکایی با احتراز از "حماقت" هایی که رفسنجانی نام برد، در انجام نقشه خود (که تنها به آزادی جاسوسان محدود نمی شد) موفق می شدند، به زعم آقای رئیس مجلس نه دولت کاتر "بی لیاقت" می شد و نه این "رسوایی" در تاریخ بنام آمریکا ثبت می گردید! طبق منطق امام جمعه وقت تهران، همه تجاوزات "موفق" آمریکا، از کودتای ۱۳۳۲ ایران گرفته تا سرنگونی دولت مردمی آلنده در شیلی، از قتل عام اندونزی تا اشغال گرنادا، چون "بی لیاقتی" نیست، "رسوایی" هم نیست! نکته دوم که از حیث رابطه آن با سمیت گیری کلی حکومت جمهوری اسلامی در قبال امپریالیسم سرکردگی آمریکا حائز اهمیت است، تلاش رفسنجانی برای "ضعیف" و "بی عرضه" و طبعاً "بی خطر" جلوه دادن "موجودی بنام آمریکا" است. موجودی که از آن هیچ لزومی ندارد. بترسیم.

آقای رفسنجانی این واقعیت را کتمان

امسال تبلیغات حکومت جمهوری اسلامی پیرامون سالگرد تجاوز نظامی آمریکا به ایران در طریس، رنگ و بوی متناسب با سمیت گیری آمریکا پسند آن در عرصه سیاست خارجی داشت. رفسنجانی رئیس مجلس در نماز جمعه هفتم اردیبهشت ۶۳، از جمله درباره سالگرد واقعه طیس صحبت کرد. او عدم موفقیت عملیات، کماندوهای آمریکایی - و نه اصولاً تجاوز آشکار آمریکا - را "یک سند عظیم بی لیاقتی و رسوایی آمریکاییها در تاریخ" خواند و گفت: "یک موجود ضعیف و بی عرضه ای در آنجا نشسته به اسم آمریکا ۵۰۰ (اطلاعات ۸ اردیبهشت). وی افزود "حماقت" و "نادانی" آمریکا را این بوده که در جریان تدارک عملیات طیس، فقط از ۸ هلی کوپتر استفاده کرد است. "اینقدر رنادان هستند ۶ هلی کوپتر حداقل نیاز اینها بود. یعنی افرادشان با امکان نشان اگر ۵ هلی کوپتر بود نمی رساندند، حالا هشت تا هلی کوپتر برمی دارند برای این جریان خوب، هلی کوپتری که باید از همان تهران بیاید در این وسط، احتمال خرابی اش خیلی زیاد است. آدم غیب هم بداند نمی تواند اینقدر اعتماد کند." (همانجا)

رئیس مجلس از گل بیانات طولانی خود درباره "افتتاح طیس" چنین نتیجه گرفت: "آمریکایی که ما خیال می کنیم یک نیروی شکست ناپذیر، طراح و عاقل جهان است، اینها نمونه های کارهاشان است. هیچ لزومی ندارد

بقیه از
صفحه اول

جمهوری اسلامی: حکومت "تعزیر"، و "قصاص"، ترور و اختناق

از آنست که مسئولین قوه قضاییه در صدد نند لایحه ای درباره مجازات های قرون وسطایی که باید مکمل قانون سراپا ارتجاعی "قصاص" و حدود "باشد" به تصویب مجلس برسانند. از این رو بار دیگر نگاهی داریم به کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در حاکم کردن ترور و اختناق، سرکوب و شکنجه و خودسری و بی قانونی. تا آنجا که به خود قوه قضاییه و محاکم و بیدادگاه های آن مربوط می شود، بایست گفت این "مراجع" نمودار کامل "دیوان" و دریا مال کردن حقوق مردم برآستی در دنیا کم نظیرند.

نخستین گام در راه حاکم کردن نظام قرون وسطایی "قضاوت"، تدوین و تصویب قانون "قصاص و حدود" بود. سازمان مهابلافاصله پس از انتشار این قانون، آنرا "نشانگر انجماد فکری، بی اعتنایی به علم و پیشرفت اندیشه بشری در حل مشکلات اجتماعی، نادیده گرفتن حقوق مردم و بی تفاوت بودن در رعایت ابتدایی ترین مبانی قانون اساسی، عدم توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص جامعه و منافع توده های زحمتکش و بی چیز" ("کار" شماره ۹۹-۱۶ اسفندماه ۵۹) ارزیابی کرد و تأکید نمود که "در این لایحه ارزش انسان همای گاو و گوسفند مورد معامله قرار گرفته است" (همانجا). در قانون قصاص جنایت مانند معاملات بازار و طرف داد و خردار و فروشنده طبق این قانون، انتقام و انتقام کشی بصورت یک امر مجاز درمی آید. اما این نیز پیش بینی شده است که مجرم تنها با پرداخت "دیه" از مجازات جان سالم بدربرد.

قانون مزبور همچنین "جاری شدن حد و د" یعنی سنگسار کردن، شلاق زدن، قطع دست و پا و... را مقرر کرده است.

اینک می خواهند قانون "تعزیرات" را هم تصویب کنند و به شکنجه جنبه رسمی و مجاز" تبدیل کنند.

"تعزیر" در جمهوری اسلامی مدتهاست که انجام می گیرد. اعمال شکنجه های وحشیانه و ضدبشری بعنوان روش بازجویی توسط ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی بکارگرفته می شود. به کسی که دستگیر می شود بلافاصله چشم بند می زنند و به اتاق شکنجه می برند. شکنجه گران با حاکم حاکم شرع به پاره پاره کردن تن زندانی می پردازند. زدن شلاق و کتک، شوک الکتریکی، سوزاندن قسمت های مختلف بدن، دستبند قیانی، آویزان کردن از دست و پا و تجساز از جمله شکنجه های رایج است. محمندی

گیلانی جنایتکار، حاکم شرع سابق تهران، گفته است: "حتی اگر زیر تعزیر آنها (زندانیان) جان هم بدهند، کسی ضامن نیست...". (اطلاعات - ۸ مهر ۶۱)

نحوه برگزاری محاکمات در جمهوری اسلامی نقض خشن ابتدایی ترین حقوق انسانی و رسوم شناخته شده قضاوت است. "دادگاه" از یک "قاضی" (حاکم شرع) تشکیل شده است که نه تنها بیطرف نیست، بلکه اغلب نقش "دادستان" را هم برعهده دارد. همچنین که ری شهری رئیس بیدادگاهی که افسران انقلابی را به اعدام محکوم کرد، از همان آغاز محاکمه گفت: "مردم مسلمان ایران، این افسراد

سیاست مالیاتی حکومت در خدمت تجار بزرگ است

بقیه از صفحه ۴

ترکیب قبلی سه نفر نماینده وزارت اقتصاد بود. جدیداً یک نفر از معتمدین بازنشسته قضات (؟)، یک نفر از نمایندگان اتحادیه و معتمدین اصناف و یک نفر از نمایندگان وزارت امور اقتصاد و دارائی در آنجا می نشینند و مالیات را بررسی میکنند. اگر گفته های معاون وزیر را بر زبان عامه فهم برگردانیم، سیاست حکومت در اخذ مالیات از سرمایه داران روشن تر میشود. طبق این سیاست رهبران حکومت، تصمیم گرفته اند که میزان درآمد سالانه تجار بزرگ و هم کاسه های آنان و مالیاتی که به این درآمدها تعلق میگیرد، توسط خود آنان تعیین شود. یعنی بدون موافقت "تجار محترم" وزارت اقتصاد و دارائی نه تنها راسا مجاز به اخذ مالیات از آنان نیست، بلکه از تعیین یکجانبه مالیات هم منع شده است. این توافق هم در مورد غارتگری گذشته و هم در مورد جیا ولگری بی بند و بار آینده سرمایه داران صدق میکند: "ماده واحد های به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که بموجب آن آندسته از صاحبان مشاغل که به مالیاتهای قطعی شده خود محترض هستند، بشرط پرداخت یک چهارم (۱/۴) مبلغ مالیات، اعتراض خود را در کمیسیونهای مالیاتی مطرح و تقاضای رسیدگی مجدد نمایند..." (مصاحبه با کارشناسان مالیاتی اطلاعات یکشنبه پنجم فروردین).

البته غارتگران بازار با این حد از امتیاز هم راضی نیستند و امتیازات باز هم بیشتری طلب میکنند. راست آن است که سرمایه داران و "تجار محترم" انتظار آنرا دارند که این حکومت حتی برای حفظ منافع خودشان از آنها

را بعنوان خائن و جاسوس می شناسند و با همین عناوین نیز محاکمه می شوند. (اطلاعات، ۱۶ آذر ۶۲). در دادگاهها از هیات منصفه و وکیل مدافع و... خبری نیست. صانعی دادستان کل کشور بدون هیچ ابایی می گویند: "در سیستم قضایی اسلام تکیه بر قاضی است... قاضی هرکاری بخواهد می تواند انجام دهد و تنها کسی که قادر به کنترل او می باشد خداوند است..." (کیهان ۱۴ دی ۶۲).

در بیدادگاهها، برای متهمان اغلب، مجازات "محارب و مفسد فی الارض" تعیین می گردد، اصطلاحی که در هیچ قانون و مصوبه ای تعریف نشده است.

وضع "ضابطین قوه قضاییه" یعنی ارگانهای سرکوب مانند سپاه و کمیته ها و "گشت" ها و... اگر از خود محاکم بدتر نباشد، بهتر نیست.

بقیه در صفحه ۹

مالیات نگیرد، این را میخواهند که حکومت راه غارتگری آنها را باز هم بیشتر و بیشتر بگشاید. کار به آنجا رسیده است که حکومت آنها را بدرا "آن مشکلات اجتماعی" که بعداً "بطرف سرمایه داران و پولدارها" می آید، بد و راندیشی دعوت میکند. در اینباره رفسنجانی میگوید: "شما بدانید برادرها، خواهرها، پولدارها در کشور شما مالیاتها هنوز هیچ تناسبی با درآمدها ندارد. آنها یک قبله شان غرب است بپینند سرمایه دارهای غرب چقدر مالیات میدهند. بله! در کشور ما مالیات تصاعدی یک دهم آنجا هم وجود ندارد. از این حرفها خدمت گله نکنید باید با واقعیت ها خودتان را منطبق کنید." رفسنجانی هشدار میدهد که: "اگر ندهید آن مشکلات اجتماعی را دارد که... الا ممکن است درک نکنید اما بعد کم کم در عمل وقتی که آهنگ برگشت این موج اختلاف بطرف پولدارها و سرمایه دارها آمد آنوقت میفهمید که چه خبر شده."

بدین ترتیب رهبری جمهوری اسلامی در تنظیم مالیاتها به مدل "قبله غرب" رضایت میدهد. از نظر رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس سیستم مالیاتی کشورهای اروپای غربی باید در ایران پیاده شود (اطلاعات ۱۸ اسفند ۶۲). البته فرق این "مدل" مطلوب جمهوری اسلامی با غرب اینست که وصول مالیات در کشورهای امپریالیستی ضمانت اجرایی دارد و در جمهوری اسلامی چنین نیست. "کارشناسان مالیاتی" میگویند: "علی الاصول مبنای کار وزارت امور اقتصادی و دارائی در امر تشخیص درآمد مالیات موذیان بر اصل اعتقاد متقابل است..." (اطلاعات پنجم فروردین).

حکومت به تجار بزرگ "اعتقاد" و اعتماد دارد و آنها هم خیالشان راحت است که سیاست مالیاتی جمهوری اسلامی در خدمت آنها و بضرر زحمتکشان بوده، هست و خواهد بود.

خامنه‌ای خطاب به ارتجاع منطقه: "ما مایلیم با شما متحد باشیم"

پرواز میهنی

بگاه سلطه زور و شکنجه و اعدام
کدامین دست آهنین
پرواز داد
پرنده را
از قفس
کدامین دست مهربان
بر پیکر خونینش
مرهم نهاد
کدامین ناشناس
پیام سرخ آزادی را
در بالهای سپیدش پنهان کرد
در میان دو جاذبه شایع
یک گلوله و
یک سکوت
کدامین قهرمان
جسورانه
ندای پیام را
برگزید
صدایت بلند باد
ای تپش قلب کارگر
ای "کار" !
بلندتر از دیوارهای ممنوع شب
"ارتفاع" کلامت
سخت تر از صخره‌های سرد ارتجاع
"سختی" پیامت
ای ققنوس‌رها گشته از قفس
پروازت
خجسته باد
"ح - کاوه"
اسفند ماه ۱۳۶۲

میخواهد نه تنها "دوست" و "متحد"
ترکیه و پاکستان، بلکه "دوست" و "متحد"
کشورهای منطقه خلیج فارس هم باشد.
همان کشورهایی که سران حکومت تا دیروز
آنها را دشمن خود میدانستند.
بیهوده نیست که با آب و تاب خبر
حمله عراق به کشتی عریستان سعودی را بزرگ
میکند (خطبه خامنه‌ای) و برای "کاپیتان
نجات یافته" ی این کشتی مراسم تشکیر و
سپاسگزاری ورد و بدل کردن تعارفات محبت
آمیز ترتیب میدهند. (کیهان ۱۲ اردیبهشت)
بغض نظر پیشبرد هدف نامبرده، یعنی
آماده سازی زمینه برای دوستی با ارتجاع منطقه،
ادعا میکنند که "رژیم عراق متزلزل است" و
آمریکا هم از این رژیم روگردان شده است؛
"سرگونی صدام ۰۰۰ نزدیک است و
آمریکا دارد برای او تابوت میسازد" (آیت
الله مشکینی اطلاعات ۱۵ اردیبهشت)
و یا: "آمریکا سقوط صدام را قریب
- الوقوع میداند لذا خود و منطقه را برای -
بقیه در صفحه ۸

افشاگری علیه سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم
آمریکا در منطقه خلیج فارس نیست، بلکه آقای
خامنه‌ای برای خالی نبودن عریضه، و - برای
پرده‌پوشی ماهیت حقیقی سیاستی که تبلیغ میکند
(و به آن در ذیل خوا - نیم پرداخت)،
"دو بهمن زنی" میان جمهوری اسلامی و
"کشورهای همسایه عربی" آنرا به آمریکا -
نسبت میدهد.

این يك امر مسلم است که منافع واقعی
هیچیک از ملل منطقه با ماجراجویی‌های نظامی
پنتاگون در خلیج فارس سازگار نیست. تشنج
و بحران در این منطقه به ضرر همه این کشورهاست
اما آیا آقای خامنه‌ای از این زاویه صحبت میکند؟
در صورتی که در نظر آوریم که جمهوری اسلامی با
پافشاری خود بر ادامه جنگ بیشتر با عراق بیشترین
آب را به آسیاب امپریالیسم میریزد و به آمریکا
امکان میدهد تا در ورای پرده "جنگ"
ایران و عراق "هر

غلطی میخواهد"، در منطقه بکند، آنگاه روشن
میشود که مسئله آقای خامنه‌ای به هیچ وجه آتش
آفرینهای آمریکا در منطقه نیست (و گرنه خود ش
ادامه جنگ را تبلیغ نمیکرد).
مسئله این هم نیست که "حامیان عراق"
فهمیده باشند "رژیم عراق متزلزل است". این
را دیگر هر کس میداند که عملیات خیبر نه تنها
"پیروزی چشمگیر" برای جمهوری اسلامی نبوده
و آنطور که خامنه‌ای ادعا میکند (بلکه در این
عملیات نیروهای ایران شکست سختی را هم متحمل
شده‌اند.

"مسئله اصلی" خامنه‌ای و حکومت -
جمهوری اسلامی را خود او ذکر کرده است:
آنها میخواهند با ارتجاع منطقه دوست و متحد
باشند.
خامنه‌ای در جای دیگر - در مورد خاص ترکیه
- این هدف را چنین بیان نموده است:
"بسیار بجاست که دو کشور ما -
موازات توسعه و تعمیق مناسبات اقتصادی در
اتخاذ مواضع سیاسی مشترک، در مسایل جهانی
نیز گامهای موثرتری بردارند زیرا که اتخاذ مواضع
مشترک از سوی دو کشور دوست میتواند به حل
بسیاری از مسایل و مشکلات منطقه کمک نماید."
(دیدار با نخست وزیر ترکیه - اطلاعات، ۱۱
اردیبهشت)

دو ماه پیش نیز رفسنجانی رئیس مجلس
در دیدار با وزیر خارجه ترکیه به "حلقه مودت"
جمهوری اسلامی با همسایه ناتواش، یعنی
"مسئله افغانستان" اشاره کرده بود (جمهوری
اسلامی - ۲۰ اسفند ۶۲).
اینک سخنان رئیس جمهور در نماز جمعه،
پرده از جنبه دیگری از سیاست خارجی جمهوری
اسلامی برداشته است: جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول
برای هیچیک از کشورهای منطقه خطری نخواهد
داشت. (راديو جمهوری اسلامی - ۲۱
اردیبهشت)
رئیس جمهور با تکیه بر روی این نکته -
که "ما از توطئه های آمریکا علیه انقلابان نگرانی
نداریم" در مورد جنگ اظهار داشت:
"وضعیت جنگ تحمیلی باعث آن شد که
حامیان عراق بفهمند که رژیم عراق متزلزل است.
پیروزیهای چشمگیر رزمندگان اسلام و واماندگی
ارتش عراق در عملیات خیبر این حقیقت را که ارتش
عراق با روحیه ضعیف در پشت استحکامات مخفی
شده است را فاش کرد. (همانجا)
خامنه‌ای با طرح این ادعا که گویا
"سیاست آمریکایی" در منطقه دچار "سردرگمی
شده و تاکید دوباره بر اینکه "ما مایل نیستیم
منافع کشورهای همسایه خودمان را در خلیج
فارس مورد تصادم قرار بدهیم"، افزود:
"تمام سیاست آمریکایی در طول این
مدت متمرکز بوده در این نکته که جمهوری اسلامی
را از کشورهای همسایه عربی خود جدا کند.
ما همواره به اینها گفته‌ایم که ما مایلیم با شما
متحد باشیم. با شما دوست باشیم."

امام جمعه تهران پس از ایراد سخنانی
در باره مضار "تشنج و ایجاد درگیری و مقابله
و اضطراب" برای کشورهای عربی حوزه خلیج
فارس برای اثبات اینکه "آنها نباید منافع خود
را در منطقه با منافع عراق یکی بدانند"، گفت:
"عراق به مقتضای طبیعت آتش افروز خود
شیطنت خودش را در این منطقه شروع کرد. کشتی
نفتی ما را، یعنی کشتی نفتی عربستان سعودی را
۰۰۰ هدف موشکهای خودش قرار داد. البته
برادران ما کوشش کردند، کشتی را نجات دادند."
بمنظور درک بهتر فحوای کلام آقای
خامنه‌ای، لازم است لباس پرخاشگری دروغین
ایشان به آمریکا را که هسته اساسی صحبت های
رئیس جمهور را می پوشاند (هر چند حتی این
ظواهر سازی هم بسیار کم رنگ است)، از مسئله
اصلی جدا کنیم.

آقای خامنه‌ای میگوید که از توطئه های -
آمریکا "نگرانی" ندارد و فقط يك چیز ذهن
ایشان را مشغول کرده، و آن هم "سیاست
آمریکایی جدا کردن کشورهای منطقه خلیج فارس
از جمهوری اسلامی ایران" است.
البته آقای رئیس جمهور به "سیاست -
آمریکایی" پر کردن خلیج فارس از ناوهای جنگی،
"سیاست آمریکایی" تا دندان مسلح کردن
رژیمهای مرتجع، "سیاست آمریکایی" دامنه
زدن به تشنجات و درگیری ها در این منطقه و...
کوچکترین اشاره‌ای نمیکند.
و هیچگونه "نگرانی" هم به تصریح خودش از
بابت این اقدامات آمریکا ندارد.
پس مقصود واقعی امام جمعه تهران

نظر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع دربارهٔ پیش نویس جدید قانون کار

بقیه از صفحه ۲

د و فرزند خانواده شرط سنی " ۱۵ سال " قایل شده ، ظاهراً منظور اینست که فرزندان کارگران در سن ۱۵ سالگی خود را سبایید بکار مشغول شوند ؟ محاسبه تورم حتماً می بایست در افزایش دستمزدها رعایت گردد .
در متن پیش نویس " هیچگونه تضمینی برای باز نشستگی ، بیکاری ، پیری ، از کار افتادگی ، بی سرپرستی ، حوادث و سوانح ، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی برای کار کردن بعمل نیامده است ."
در مورد زنان کارگر ، " برابری حقوق در مقابل قانون . . . رعایت نشده . . . ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک . . . بقول معروف " معلق بر محال " قلمداد شده است ."
" نمایند " کارگران در شورای عالی کار از سوی وزارت کار منصوب می شود و " تنها افراد بی اختیار در این پیش نویس کارگران هستند ."

و بالاخره ، " در پیش نویس امتیازاتی از قبیل مرخصی ایام تولد و ازدواج و فوت برای کارگران در نظر گرفته نشده است (ماده ۸۱) ."

در پایان اعلامیه چنین نتیجه گیری شده است :
" همانطور که در متن بیانیه آورده ایم مسئولان و دست اندازان تهیه و تدوین پیش نویس قانون کار آنچنان در خدمت پول و سرمایه قرار گرفته اند که تصویری رود حتی با نظرخواهی از کارگران و تشکیل سمینار آنهم با ضرب الاجل یک روزه بتوانند آنچنان تغییراتی بپوشد کارگران در پیش نویس ایجاد نمایند .
تشکل کارگران و همه زحماتشان دیگر تنها با قدرت اتحاد و همبستگی خود آنان حل خواهد شد .
کما اینکه اولین قانون کار در تاریخ مبارزات مردم ایران کارگران با پیوند و قدرت و تشکل و استفاده از حقوق قانونی خویش یعنی اعتصاب توانستند در سال ۱۳۲۵ به پسر رضاخان تحمیل نمایند .
ما بازم تاکید می کنیم که قانون کار حتماً و قطعاً می بایست در محور و چارچوب قانون اساسی و مشارکت رسمی کارگران که از طریق تشکلهای قانونی آنان میسر خواهد شد ، تهیه و تدوین گردد ."

" هنگامیکه کارفرمایان و تشکلهای متعدد آنان می توانند ترکیب دولت را به دلخواه خود تغییر دهند و یا نمایند به مجلس شورای اسلامی بفرستند دولت چگونه می تواند امکانات را در اختیار آنان قرار دهد ؟"
در بخش مربوط به اخراج آمده است :
" کارگران در این چند ساله بعد از انقلاب بطور گسترده ای خواهان لغو ماده ۳۳ قانون کار سابق بودند و بین کنندگان پیش نویس این فریادهای رسای کارگران را شنیدیم گرفتند و مساله اخراج را کاملاً کسان در اختیار کارفرمایان باقی گذاشتند ."
اعلامیه انجمن همبستگی همچنین تصریح می کند که نحوه تشکیل و چگونگی فعالیت مراجع رسیدگی ، نقض حقوق کارگران است ."



در رابطه با مساله دستمزد در پیش نویس جدید ، اعلامیه چنین آمده است :
" در ماده ۴۴ آن که از قانون کار سابق اقتباس شده میزان تعیین دستمزد برای اداره یک خانواده ۴ نفری در نظر گرفته شده با این تفاوت که برای

و " و " ه " ماده ۱۷۳ را رعایت کنند ۱۰ میان احزاب و جمعیت ها که در اصل ۲۶ آزادی تشکیل آنها داده شده است در واقع تنها " حزب جمهوری اسلامی " از این حق برخوردار شده است ."

اعلامیه سپس با اشاره به سرکوب اعتراض کارگران در کارخانه دخانیات تاکید کرده است که فرمان بخش خصوصی و تشکل هایش از جمله " انجمن مدیران " علیه کارگران وسیعاً اجرا می شود .

در باره انجمنهای صنفی کارگران آمده است :
" آقای توکل تشکل کارگران یعنی سندیکاها را غیر قانونی اعلام کرد و بدنبال این اقدام گروهی از فعالان جنبش سندیکایی " بجم " دفاع از انقلاب و قانون اساسی به زندان افتادند و شوراهای اسلامی نیز از قدرت انداخته شد .
در این پیش نویس نیز خطی توکلی ها پیگیری شده است . . . و بدین ترتیب کارگران پیش نویس و حامیان پشت پرده آنان که برای ایجاد و توسعه تشکل های کارفرمایی و قدرت دادن به آنان دستي گشاده دارند ، در باره کارگران حتی به اندازه قانون کار حاکمیت پسر رضاخان نیز اقدام نکرده اند ."

در ادامه به نقض حقوق کارگران ماهیگیر ، ملاح ، کارکنان کشتی ها ، کارگران تخلیه و بارگیری بنادر و همچنین کارگرانی که کار متناوب دارند ، و نیز کارگران کارگاههای کوچک و کارگران فصلی و ساختن در پیش نویس جدید اشاره شده است .

در باره پیمانهای دستجمعی ، اعلامیه چنین اظهار نظر کرده است :
" بجای اینکه افراد بصورت جداگانه موظف به انعقاد قرار داد شوند (که پراکندگی آنان باقی بماند) می بایست نمایندگان آنان را از طریق تشکلهای کارگری و با رعایت دقیق " طبقه بندی مشاغل " با تشکل های کارفرمایی قرار داد منعقد نمایند .
در پیش نویس می بایست حق اعتصاب بر سرستیت شناخته شود که کارگران از طریق تشکلهایشان کارفرمایان خطا کار را به اجرای قرار داد های دستجمعی ملزم نمایند ."
این نکته پیش نویس که در صورت تخلف دولت امکانات را در اختیار صاحب کاران قرار نخواهد داد ، " شوخی " قلمداد شده زیرا :

قانون کار باید با مشورت کارگران تدوین شود

در حاشیه



شورای نگهبان: "ما ابطال می کنیم"

شورای نگهبان هر جا نتیجه انتخابات را پسندید، آنرا ابطال کرد ۱۰ ماهی کاشانی رئیس هیئت نظارت شورای نگهبان روز ۲۳ اردیبهشت در این باره گفت:

"ابطال از مفاخر جمهوری اسلامی است. ماکه ابطال می کنیم، و آن شهرهایی که حوزه های انتخابیه که انتخاباتشان ابطال شده، به عقیده بنده باید افتخار بکنند به این که این جمهوری و این نظام اینقدر دقیق و حساب شده است که آراء این مردم را ابطال می تواند بکشد. ۱۰۰ افتخار بر همه ماست که یک گروه ۱۲ نفری بعنوان شورای نگهبان ۱۰۰۰ آمده اند و گفته اند ما ابطال می کنیم." (رادیو جمهوری اسلامی ۲۳ اردیبهشت)

پیام وزیر کار یا فرمانده کل قشون؟!

"با سلام و درود به امام امت و شهیدان به خون خفته راه حق و اسلام به رزمندگان اسلام و امت قهرمان بویژه به کارگران ۱۰۰۰ در این ۵ سال و اندی شما کارگران با همه کاستیها و مشکلات چه در سنگر تولید و نبرد اقتصادی، چه در خنثی سازی توطئه های داخلی و چه در میدان نبرد همگام با سایر رزمندگان اسلام برای پیروزی نور بر ظلمت به جهاد فی سبیل الله پرداخته و به حق با زوان پرتوان انقلاب اسلامی در به اهتزاز در آوردن پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله و طنین الله اکبر در جهان بوده و هستید ۰۰۰"

خامنه ای خطاب به ۰۰۰

بقیه از صفحه ۶

مقابله با آثار احتمالی آن آماده میکند. " (رجائی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل - کیهان ۶ اردیبهشت) بنا بر این برای تسریع این روند ادعائی باید "نگرانی" آمریکا را بر طرف کرد، باید اطمینان داد که جمهوری اسلامی ارتجاع منطقه را تهدید نمیکند، و خواهان دوستی با آن است، و حتی از سوی دیگر باید شوروی سیزی را تشدید کرد، چرا که گویا:

"آمریکا و شوروی، در توان صدام برای ادامه جنگ به تردید افتاده اند و در بین این دو نیرو ۰۰۰ شفاف ایجاد شده است. دیگر آمریکا نمیتواند گسترش جنگ را تحمل کند ۰۰۰" (محسن رضائی فرمانده سپاه اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت)

بحیثیت دیگر آمریکا دارد حمایت از صدام را قطع میکند، و علت ادامه جنگ به اصطلاح حمایت، اتحاد شوروی از عراق است. (از یاد نبریم که جمهوری اسلامی برای جلب اعتماد غرب نیاز دارد صدام را "عامل شرق" و "چپ" معرفی کند.) پس در این شرایط، راهی که جمهوری اسلامی به بهانه "پایان پیروزی" جنگ در پیش میگیرد چیزی نیست جز نزدیکی با زهم بیشتر به ترکیه، پاکستان و اخیرا ارتجاع عرب.

اما مردم دست برد به سینه سران جمهوری اسلامی میزنند. آنها این "راه حل" انقلاب شکنانه و ایران بریاد ده را قبول ندارند. مردم صلح میخواهند، و برای تحقق این خواست خود، راه خود را در پیش میگیرند: راه مبارزه، مبارزه در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی.

روزی نیست که خبر شهادت عده ای از دلوران کارگر ما از جبهه های نبرد حق علیه باطل دریافت نشود. روزی نیست که اخبار افتخار آفرین تلاش بی وقفه شما در مقابله با نبرد تحمیلی استکبار جهانی در جبهه اقتصادی را دریافت نکنیم، پس هر روز برای ما روز کارگر است. روز بستن چاه های منفجر شده نوروز، روز ساختن پل عظیم تدارکاتی ۱۳ کیلومتری منطقه عملیاتی خیبر و سایر روزها. (سرحدی زاده، وزیر کار جمهوری اسلامی، کیهان ۱۰ اردیبهشت ۶۳)

جمهوری اسلامی در صفحه حوادث

۲۷۹۰ کیلو مواد مخدر در خراسان و کرمان

کشف شد. صدها حلقه لاستیک اتومبیل از دو باند سرقت در تهران بدست آمد. زنی در اعتراض به اعمال شوهرش اقدام به خودکشی کرد.

۷۰ قاچاقچی مواد مخدر در ملایر و آقاچاقچی دیگر در بم اعدام شدند.

۲۷ دستگاه ویدئو و ۳۱۰۰ پاکس سیگار از سه قایق موتوری کشف شد.

۲۰ روستائی در صومعه سرا خود را حلق آویز کردند.

سارقین منازل خیابانهای نارمک و نیسروی هوائی دستگیر شدند و بیش از ده میلیون ریال اموال مسروقه بدست آمد. (کیهان ۱۰ اردیبهشت - صفحه حوادث)

"بحمد الله همه کارها روبرو است!"

مرخصی = فساد!!

چرا ما این همه مرخصی داریم؟ من اسم این را فساد میگذارم. اگر در اداره است یا فساد اداره و اگر در کارخانه، فساد کارخانه است و اگر در اقتصاد، فساد در امور اقتصادی (موسوی اردبیلی - جمهوری اسلامی ۱۵ اردیبهشت). معنی فساد را هم فهمیدیم!

آلمان فدرال از فرستاده جمهوری اسلامی اعاده حیثیت می کند!

قاچاقچی اسلحه در آلمان فدرال او را از خطر بازداشت رهانیده بود، حکمی صادر کرد مبنی بر اینکه چون طباطبائی در هنگام بازداشت در شهر دوسلدرف مأموریت سری دیپلماتیک انجام میداده، از صونیت برخوردار بوده و حکم دادگاه علیه او بی اعتبار است!

اما با وجود این از آنجا که مدت اعتبار مصونیت دیپلماتیک فرستاده جمهوری اسلامی رو به اتمام است، محافل حاکم در آلمان فدرال به این فکر افتاده اند که بطور قطعی و نهایی از طباطبائی اعاده حیثیت کنند، چرا که به نوشته هفته نامه آلمانی "اشپیکل" مورخ ۷ ماه مه ۸۴ موقعیت مستحکم سخنگوی سابق دولت موقت

در ۱۸ دیماه ۱۳۶۱، صادق طباطبائی سخنگوی دولت موقت، "فرستاده مخصوص" جمهوری اسلامی ایران، در فرو دگاه شهر دوسلدرف آلمان فدرال بعلت وجود ۷/۷ کیلوگرم تریاک در جیبش دستگیر شد. دو ماه بعد دادگاه ایالتی دوسلدرف وی را مجرم شناخته و غیایا به دو سال حبس محکوم نمود. اما قبلا به دستور "گرهارد ریسل" هماهنگ کننده سرویس های جاسوسی آلمان فدرال طباطبائی آزاد شده و به ایران برگشته بود.

بعد ها دادگاه فدرال آلمان تحت فشار وزارت خارجه و بخصوص شخص "هانس دیتریش گنشر" که از مناسبات خوبی با طباطبائی برخوردار بوده و یک بار نیز در جریان معامله بسیار

در حکومت ایران، "جوین را تحت تأثیر قرار داده است." گویا گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال اخیرا با طباطبائی تلفنی صحبت کرده است (همانجا).

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی هم بیکار ننشسته است.

به گزارش همین هفته نامه، در تاریخ ۴ اردیبهشت ماه سال جاری طباطبائی با صانعی دادستان کل جمهوری اسلامی، در تهران دیدار کرده و ملی گفتگوی تصمیم گرفته شده است که مقامات جمهوری اسلامی از سفیر آلمان فدرال بخواهند "به سود روابط دو جانبه" ماجرایی طباطبائی به فراموشی سپرده شود. همچنین گویا صانعی تصمیم گرفته است اعاده حیثیت از طباطبائی را رسماً از دادستان کل آلمان فدرال تقاضا کند. پلیس سوئیس با یک پرونده سازی آشکار

بقیه در صفحه ۱۱

جمهوری اسلامی و امپریالیسم خبری

گزارشها و اخبار خود راجع به سایر نقاط جهان "واقعیت ها"ی مخابره شده از سوی خبرگزاریهای امپریالیستی و انعکاس یافته در رسانه های گروهی غربی (یعنی اخبار و گزارشهای دروغ و مغرضانه) را تقریباً بسدون استثنا منبع خبرگیری خود قرار داده اند. جدول ضمیمه، نمودار موارد استفاده روزنامه های زیرسانسور از منابع خبری امپریالیستی تنها در نخستین هفته انتشار آنها در سال ۱۳۶۳ (۵ تا ۹ فروردین) می باشد. در بررسی جدول، باید این نکته را نیز در نظر داشت که بسیاری از اخبار، تفسیرها، گزارشها، مقالات و غیره از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی در اختیار روزنامه ها گذاشته می شود که منابع آنها نیز جز امپریالیسم خبری چیزی نیست. همچنین در جدول، نام منابعی به اهمیت که آنها نیز از خبرگزاریهای امپریالیستی ارتزاق می کنند (مطبوعات پاکستان، ترکیه، کنیا و...) درج نگردیده است. علاوه بر این، بسیاری از مقالات روزنامه های زیرسانسور درباره سایل جهانی، بایدون ذکر منبع و یا با قید "از منابع خارجی" درج می شود که تکلیف آنها نیز روشن است. بعنوان مثال، روزنامه کیهان ۱۸ فروردین ترجمه مقاله ای از روزنامه دست راستی فرانسوی "فیگارو" تحت عنوان "شوروی از لندن تا چرنوبل" به چاپ رسانده است که محتوای آن، فشرده همه دروغ ها و لجن پراکنی هایی است که از انقلاب اکثرتراکنون، ضد انقلاب جهانی درباره اتحاد شوروی ساخته و پرداخته است. روزنامه کیهان يك صفحه کامل به این مقاله اختصاص داده است. نمونه دیگر، مقاله ای است که در آستانه

زمانی بود که مطبوعات، خبرگزاریها و رادیو و تلویزیون کشورهای امپریالیستی نسبت به جمهوری اسلامی ایران لحن خصمانه ای داشتند. حکومت ایران را "رژیم ملامها" می نامیدند که گویا به کمک کمونیستها طرفداران غرب در ایران را از میدان بدر کرده و چهاراسبه به سوی "شرق" می تازد. متقابلاً در تبلیغات حکومتی ایران رسانه های گروهی امپریالیستی به شدت مورد انتقاد قرار می گرفتند. اکنون مدتهاست که این حملات متقابل، چه از این سو و چه از آن سو، بصورت امری متعلق به گذشته های دور درآمده است. وسایل ارتباط جمعی امپریالیستی تدریجاً لحن گزارشدهی خود درباره ایران را تغییر داده اند و دیگر از الفاظ سابق مانند "رژیم ملامها"، "دیکتاتوری آیت الله ها" و غیره خبری نیست. حکومت ایران نیز "قدر" این چرخش را که در حقیقت چرخش خود حکومت است، خوب می داند. رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی چندی پیش برای اولین بار پس از مدتها با تلویزیون آمریکا مصاحبه کرد و در این مصاحبه گفت: "رسانه های آمریکا يك مقدار کمی واقعیت ها را دارند می گویند. ما استقبال می کنیم واقعیت هایی که در ایران هست در خارج منعکس شود و این ابرهای تیره ای که دروغها در سطح غرب درست کرده است کنار رود و مردم اروپا و آمریکا با واقعیتها با ما مواجه شوند." (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

همانگونه که امپریالیسم خبری به منعکس کردن "واقعیت ها" درباره جمهوری اسلامی (یعنی خبرپراکنی یکجانبه بسود حکومت ایران) می پردازد، متقابلاً رسانه های جمعی زیرسانسور جمهوری اسلامی نیز در

بقیه از صفحه ۵ جمهوری اسلامی:

حکومت "تعزیر" و "قصاص"؛ ترور و اختناق

گشت های متعدد خیابانی، بیست و چهار ساعته در کوچه و پس کوچه ها و در خیابانها به شکار انسان می پردازند. آنان جلوی ماشینها و مردم را می گیرند و به بازرسی می پردازند و هر کس را مشکوک تشخیص دادند بدون هیچ مجوز به سیاهچالها روانه می کنند. اخیراً به گشت های ثارالله، جندالله، یازرها، القاره، انصارالله و... گشت جدیدی نیز اضافه شده است. "از طرف کمیته انقلاب، اتومبیل هایی تهیه شده که بصورت زوجی یعنی در یکی از اتومبیل ها برادران و در اتومبیل دیگر خواهران همراه هم حرکت می کنند و در مواردی که مشاهده منکرشود، اگر در رابطه با مرد هست برادران دخالت می کنند و اگر در رابطه با خانمها است، خواهران از اتومبیل پیاده شده و برادران ناظر هستند." (مرتضی مقتدایی سخنگوی شورای عالی - اطلاعات اردیبهشت) در جمهوری اسلامی این تنهافعالین سیاسی نیستند که تحت پیگرد و بازداشت و شکنجه قرار می گیرند، بلکه هر کس مثل سران حکومت فکر نکند، به میل آنها نباشد، هر کس که نو را مید رقلبش و برق شادی در چشمانش باشد به پای میز محاکمه و بازخواست کشیده می شود. حکومت می خواهد مردم از زندگی تنها انواع و اقسام مراسم عزاداری را ببینند. هر چه اقدامات خود سراسر و تضییق آمیز حکومت بیشتر و شدید تر شود، نفرت و انزجار مردم از سرکوبگران و شکنجه گبران فزون تری می گردد. مردم چنانای نظیر آنچه اکنون در میهن ما بوقوع می پیوندد را بی مجازات نخواهند گذاشت.

سفرو لایتی و زیر خاچه به ژاپن در روزنامه "کیهان اینترنشنال" به چاپ رسید. این مقاله دروغهای منابع امپریالیستی درباره سیاست اتحاد شوروی در خاور و در ارتکار کرد و مدعی شده است که گویا سرزمینهای شمالی ژاپن در اشغال اتحاد شوروی بوده و گویا موشکهای شوروی مستقر در سیریری، مراکز دارای اهمیت حیاتی در ژاپن را نشان گرفته است. (لازم به تذکر است که جزایر نامبرده در این مقاله، طبق قرارداد های بین المللی پس از جنگ جهانی دوم تحت حاکمیت اتحاد شوروی درآمدند، و سلاهای هسته ای اتحاد شوروی نیز وزنه مقابل سلاهای آمریکایی در خاور دور می باشند.)

سلطه امپریالیسم خبری بر مطبوعات و رسانه های گروهی ایران پس از انقلاب هیچگاه بطور کامل از بین نرفت. حال که حکومت ایران به سوی راست، بسوی سازش با امپریالیسم چرخش کرده است، این سلطه روز بروز بیشتر تحکیم شده و رسانه های گروهی ایران را بتدریج به زاید شبکه جهانی امپریالیسم خبری تبدیل می کند.

جدول موارد استفاده روزنامه های تحت سانسور

از منابع خبری امپریالیستی در اولین هفته سال ۶۳ (۵ تا ۹ فروردین)

منبع	خبرگزاری آسوشیتد پرس (آمریکا)	خبرگزاری یونایتد پرس (آمریکا)	خبرگزاری رویترز (انگلیس)	خبرگزاری فرانسه	خبرگزاری آلمان (نصری)	مطبوعات* امپریالیستی	جمع
جمهوری اسلامی	۳	۱	۱	۶	۲	۳	۱۶
صبح آزادگان	۱۲	۱	۱۰	۱۹		۹	۵۱
اطلاعات	۱۵	۶	۷	۲۰	۱		۴۹
کیهان	۱۰	۲	۶	۱۲	۲	۳	۳۵
جمع	۴۰	۱۰	۲۴	۵۷	۵	۱۵	۱۵۱

* شامل: واشنگتن پست، نیویورک تایمز، وال استریت جورنال، تایم و نیویوریک (آمریکا) تایمز (انگلیس) و دی ولت (آلمان غربی)

کارگران آگاه می‌گویند: ...

بقیه از صفحه ۳

کارگران را با هجوم، دستگیری و اخراج فعالین کارگری پاسخ می‌دهند. (خواستها و مسایل کارگران در آستانه اول ماه مه کارشماره ۳)

کارگران قهرمان میهنان علیه جنیت سیاستهای بغایت ارتجاعی به هر شکل ممکن اعتراض می‌کنند. اعتراضات کارگران به شرایط طاقت‌فرسای زندگی و کمبود دستمزد، نداشتن بیمه و مسکن، انحلال شوراها، اخراجها و مبارزه برای تدوین یک قانون کارمندی اکتون در اغلب کارگاههای تولیدی وسعت یافته است. دامنه اعتراضات کارگری در حدی است که حتی گوشه‌هایی از آنرا می‌توان در مطبوعات زیرسانسور یافت.

عبدالله زمانی منفرد، کارگر چاپخانه می‌گوید:

"من تاریخچه روز کارگر را در سست نمی‌دانم. ولی می‌دانم که روز ۱۱ اردیبهشت برابر با اول ماه مه است و یک روز جهانی است. بنظر من این روز حتما باید باشکوه تمام برگزار شود. ... بهتر می‌دانم این روز تعطیل اعلام بشود و کارگران در این روز جشنی بپاکنند و باید دیگر بیشتر آشنا شوند و مسایل مربوط به خودشان را بررسی نمایند." (اطلاعات ۱۰ اردیبهشت)

مرتضی عسکری کارگری از کارگاههای تولید لباس می‌گوید:

"مشکلات ما زیاد است. اینکه من بخواهم همه اش را بگویم خیلی طولانی می‌شود. ... کارفرما به میل خودش ساعات کار تعیین می‌کند. از دستمزد می‌زند.

متاسفانه ما شورانداریم. اما از کارگرانی که شور دارند وصف آنرا زیاد شنیده‌ام. شورای کارگری از زورگویی کارفرما جلوگیری می‌کند و به مشکلات کارگران رسیدگی می‌کند. اگر برای ماه یک شوری درست بشود خیلی خوب خواهد شد و من حتما در این شورا شرکت می‌کنم." (همانجا)

محمد بوستانی کارگر چاپخانه می‌گوید:

"از طرف دیگر حق بیمه ماه هم زیاد است، مثلا از حقوق من ماهیانه پانصد تومان حق بیمه کسری می‌کند، ولی در عوض خدمات آن اصلا قابل ذکر نیست، این فشارهای مالی کارگر را می‌آزارند." (همانجا)

حکومت که خواسته‌های کارگران را با اخراج فعالین کارگری، زندان و سرکوب پاسخ می‌دهد، از انتشار اخبار جنبش کارگری در واحدهای صنعتی و تولیدی شدیداً جلوگیری می‌کند.

اعتراضات پراکنده کارگران که در تمام سالهای پس از انقلاب در مورد مساله دستمزد وجود داشت، در سال گذشته وسعت بازهم بیشتری یافت. بعنوان نمونه در کارخانجات خانیات، کفش‌ملی، جنرال صنعتی،

هیدروقیل، ارج، زامیاد، اکباتان، ساکا، پارس خودرو، داروپخش، ایران لنت، ایران تایر، ری.او.واک، هواپیمایی، شرکت نفت پارس و دهها واحد بزرگ و کوچک دیگر در تهران و شهرستانها، کارگران به اشکال گوناگون علیه کمی دستمزد ها اعتراض و در مواردی دست به اعتصاب زدند. (کارشماره ۳)

کارگران روز بروز بهتر در می‌یابند که حکومت از اهداف و آرمانهای انقلاب بهمن روی برتافته است و از منافع سرمایه داران غارتگر حمایت می‌کند و دست "تجار محترم" را باز گذاشته تا حاصل کار و رنج آنها را چپیده و میلیاردها تومان برثروت خود بیفزایند. عوامیل حکومتی به آنها، مختلف از دستمزد آنان کسر کرده و برای گرم نگهداشتن تورجنگ و پرکردن کیسه‌های سرمایه داران از آنان می‌خواهند بد و ن افزایش دستمزد، تولید را افزایش دهند. اکنون با وقاحت وصف ناپذیری از کارگران می‌خواهند: "تعطیلات را کم کنید، ساعات کار را افزایش دهید، تولید را زیاد کنید." (موسوی اردبیلی، جمهوری اسلامی، ۱۵ اردیبهشت) و

تجاوز نظامی آمریکا بر اوایت رئیس مجلس

بقیه از صفحه ۴

می‌کند که این "موجود ضعیف و بی‌عرضه" در همین منطقه خلیج فارس سپاه و اکانش سریع خود را مستقر کرده، "فرماندهی مرکب از" ایجاد نموده، به رژیمهای ارتجاعی تکیه توانسته اسلحه فروخته، به آتش جنگ ایران و عراق دامن زده، و خلاصه هر چه در توان داشته برای تحمیل اراد مخود به ملل منطقه انجام داده است.

این برای اولین بار نیست که سخنگویان درجه اول جمهوری اسلامی عملیات تجاوزی آمریکا را "منفی" کرده و یا "بی‌خطر" جلوه می‌دهند. پنج ماه پیش رئیس جمهور خامنه‌ای درباره احتمال دخالت مستقیم نظامی آمریکا در منطقه گفت: "... البته دولت سردان و طراحان آمریکا قلتر از آنند که چنین خطری را قبول کنند." (۲۰ آذر ۶۲ - مراسم سالگرد آیت الله دستغیب)

البته آقای رئیس مجلس در آن زمان احتمال دخالت مستقیم در خلیج فارس را کلاً نفی نمی‌کرد:

"... می‌بینیم که گوشه و کنسار حرکت‌های جدیدی را دارند آغاز می‌کنند و بوسیله یک ماجراجویی بین المللی می‌آید. ... با این اشاراتی که کردم بسیار محتال است که تجاوزگران بین المللی دست به یک ماجراجویی در خلیج فارس اظراف ما بزنند." (خطبه‌های نماز جمعه - کیهان ۱۷ آذر ۶۲)

اما در عین حال از عامل حرکت‌های تجاوزی کارانه یعنی آمریکا نامی به میان نمی‌آورد و "ماجرای جویی" احتمالی رابه نیروهای موهومی مانند "تجاوزگران بین المللی"، "استکبار

البته از دید حکومت مدافع سرمایه داران نباید هیچ کارگری "تجاوزنا می‌د که ساعات کارگاهش یافته و حقوق افزایش یابد" و صدا البته نباید "اعتصاب کند" و گرنه "یک کارگر انقلابی نیست" (۱۱) " (همانجا)

اما، دست حکومت برای کارگران بیش از پیش رومی شود. جمهوری اسلامی نمی‌تواند دشمنی خود با کارگران زحمتکش را با سیاستهای عوامفریبانه رنگ آمیزی کند. کارگران با مبارزات روزمره خود در می‌یابند برای مقابله با چنین سیاستهایی که آنانرا هر روز فقیرتر و سرمایه داران را غنیتر می‌کند، اسلحه‌ای جز شکل نداشتند. کارگران انقلابی و مبارزان با ایستادگی‌های جانانه و قهرمانانه در مقابل سیاستهای خانمان برانداز حکومت و مقابله می‌کند و سرکوب و دمدنشانه، زندان و شلاق و شکنجه و چوبه دار و جوخه اعدام نمی‌تواند مانع حرکت حق طلبانه کارگران زحمتکش و نیروهای وفادار به آرمانهای والای طبقه کارگر گردد. پیروزی از آن کارگران و زحمتشان است.

جهانی، "متجاوزان دنیا"، سیستم استکبار تاریخ و "نسبت می‌داد."

در اینجا با سه نوع "منفی کردن" خطر آمریکا مواجهیم:

شیوه اول آنست که می‌گویند آمریکا تنها "عادل تر از آنند" که دست به تجاوز بزنند و احتمال دخالت نظامی آمریکا را کلاً نفی می‌کنند. (نمونه خامنه‌ای)

شیوه دوم عبارتست از تبدیل کردن عامل خطر یعنی آمریکا به چیزی نامشخص و ذهنی که با کلمات و عبارات دوپهلوی و کنگ توصیفش می‌کنند. ("استکبار جهانی" و ...)

و اما جدیدترین شیوه، همان است که رفسنجانی در صحبت‌های اخیر خود بکار برده یعنی "بی‌عرضه" و "ضعیف" جلوه دادن آمریکا که در بن خود "بی‌خطر" بودن آن را هم در بر دارد.

تمام این ترفندها هدفی ندارد جز پرده پوشی مشی تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا، اثر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سمت مقابل به تجاوزگریهای آمریکا پیش می‌رفت امکان نداشت سران حکومت این چنین آمریکا را "بی‌آزار" جلوه دهند. واقعیت این است که سیاست جمهوری اسلامی در همه عرصه‌ها آمریکا پسند است. همه هم و غم رهبران جمهوری اسلامی متوجه جلب اعتماد امپریالیست‌ها است. "بی‌خطر" و انمود کردن آمریکا نیز در خدمت همین کوشش است.

آمریکا به طبعی آمد تا انقلاب را نابود کند. حال که امر پایمال کردن اهداف و دستاوردهای انقلاب با "لیاقت" از سوی حکام جمهوری اسلامی دنبال می‌شود، تعجبی ندارد که آنها از واقعه طبعی - عینه - "بسی لیاقتی" آمریکا یاد کنند.



رویدادهای جهان

آمریکا شرکت ورزشکاران کشورهای سوسیالیستی در المپیک را غیرممکن ساخت

علاوه بر اتحاد شوروی و بلغارستان که خبر عدم شرکت ورزشکاران این دو کشور در المپیک لس آنجلس را در شماره پیش دادیم، جمهوری دموکراتیک آلمان، ویتنام، لائوس، جمهوری توده‌ای مغولستان، اتیوپی، بکسلواکی و افغانستان اعلام کردند شرکت ورزشکارانشان در بازیهای لس آنجلس امکان پذیر نیست. کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک آلمان پس از اجلاس پنجمین دهم به خود بیانیه‌ای انتشار داد و در آن اعلام کرد تضمینی برای امنیت شرکت کنندگان از جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای سوسیالیستی در بازیهای لس آنجلس وجود ندارد و دولت آمریکا و کمیته برگزاری بازیهای المپیک حاضر به جلوگیری از حملات باند های جنایتکار و افراطی علیه ورزشکاران کشورهای سوسیالیستی نیستند. بنا بر این بمنظور حفظ حیثیت و جان ورزشکاران آلمان دموکراتیک، کمیته ملی المپیک ایمن کشور تصمیم گرفت در بازیهای لس آنجلس شرکت نکند. هارات گراموف صدر کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی روز دوشنبه ۱۴ مه در یک مصاحبه مطبوعاتی در مسکو شدیدا به دولت ریگان حمله کرد. وی گفت دولت واشنگتن امکان علی شرکت در بازیهای المپیک لس آنجلس را از ورزشکاران شوروی گرفته است. صدر کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی افزود تصمیم این کمیته دایره بر عدم شرکت در المپیک قطعی و نهایی است. گراموف همچنین این ادعا را که تصمیم منبر "انتقام" تحریم المپیک مسکو است مرد کرد و اظهار داشت: ما تصمیم راسخ داشتیم به لس آنجلس برویم و گزینه چه دلیلی داشت که موسسات شوروی - میلیون ها دلار بابت امتیاز گزارش مستقیم تلویزیونی و غیره بپردازند؟ "این مقام ورزشی اتحاد شوروی بار دیگر تاکید کرد کشور وی قصد پشت کردن به جنبش المپیک را ندارد و ورزشکاران و کمیته المپیک اتحاد شوروی به آرمانهای المپیک وفادار بوده و خواهند بود.

نهمین روز اعتراض ملی در نیلی

پلیس رژیم فاشیست پینوشه در سرکوب نهمین روز اعتراض ملی، جوان ۱۸ ساله‌ای به نام میکول گنزالس را، که در تظاهرات شهر سانتیاگو شرکت کرده بود، با شلیک گلوله به قتل رساند. بیش از ۱۳۰ نفر دستگیر شده‌اند و از تعداد زخمیان تا حال آمار دقیقی در دست نیست.

اعتصاب در آلمان فدرال برای ۳۵ ساعت کار در هفته

از آغاز شیفت صبح دوشنبه ۱۴ ماه مه ۱۲ هزار کارگر صنیع فلزی در ۱۴ کارخانه ایالت بادن و ورتمبرگ آلمان فدرال بمنظور به کرسی نشاندن هفته کار ۳۵ ساعته بدون کسر دستمزدها دست به اعتصاب زده‌اند. کارگران چاپخانه ها نیز در آلمان فدرال برای ۳۵ ساعت کار در هفته مبارزه میکنند و تا بحال چند روز بزرگترین روزنامه‌های این کشور را به تعطیلی کشانده‌اند.

سندیکارهای کارکنان بخش دولتی، حمل و نقل، بازرگانی، بانکها و موسسات بیمه و راه آهن از مبارزات کارگران صنیع فلزی و چاپ حمایت کرده‌اند.

در کارخانه‌هایی که در آن اعتصاب آغاز شده است، اکثر قطعات مورد نیاز کارخانجات اتومبیل سازی را تولید میکنند، و به همین دلیل ابعاد اعتصاب تنها به همین ۱۴ کارخانه محدود نمی شود، بلکه کل صنعت اتومبیل سازی را در بر میگیرد.

تروریست افغانی: نظامیان امریکایی و پاکستانی گروه ما را تعلیم می دادند

در کابل کنفرانس مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران افغانی و خارجی تشکیل گردید در این کنفرانس منجمه اعلامیه‌ای دال بر سازماندهی اعمال خرابکارانه از طرف امریکایی علیه افغانستان انقلابی و تامین مالی ضد انقلابیون افغانی، خوانده شد. همچنین نامه‌هایی به معرض تماشا گذارده شده بود، که سازمانهای ضد انقلابی به سفرای آمریکا، فرانسه و دیگر کشورها در پاکستان نوشته و طبع آنها در خواست تحویل سلاح و مهمات جدید را کرده بودند.

یکی از تروریستهای افغانی که به اسارت در آمده است، در کنفرانس اعتراف کرد که گروه ۳۰۰ نفری آنها بوسیله نظامیان امریکایی و پاکستانی تعلیم میدیدند، از آمریکا، فرانسه ایتالیا، مصر و چین اسلحه دریافت میکردند و هر ۱۵ روز یک بار مستشاران امریکایی از گروه بازدید بعمل می‌آوردند.

در کنفرانس مدارکی ارائه شد، کته در آنها ضد انقلابیون افغانی از کشورهای امریکایی در خواست تحویل مواد شیمیایی سموم کننده کرده بودند.

دیوان لاهه اقدامات نظامی امریکا علیه نیکاراگوئه را محکوم کرد

دیوان بین‌المللی لاهه دولت آمریکا را فراخواند، تا اقدامات نظامی و شبه نظامی خود را در بنادر نیکاراگوئه پایان بخشد و استقلال سیاسی و حق حاکمیت این کشور

را محترم شمارد.

دیوان لاهه باتفاق آراء تقاضای دولت آمریکا را علیه شکایات نیکاراگوئه رد کرد و تصمیم گیری نهایی از دولت آمریکا خواست، که تمامی اقداماتی که بنادر نیکاراگوئه را مسدود و محاصره کرده و به مخاطره می‌اندازد و بخصوص مین گذاری آنها را پایان بخشد و در آینده نیز از اقدامات مشابه صرف نظر کند.

دیوان لاهه بر لزوم احترام به حق حاکمیت و استقلال سیاسی نیکاراگوئه تاکید ورزید و مقرر داشت: استقلال نیکاراگوئه نباید بوسیله عملیات نظامی که اصول حقوق بین‌المللی و بخصوص اصل انصراف از تهدید نظامی آنرا نقض میکند، خدشه دار گردد.

با وجود حکم دیوان لاهه، آمریکا درصدد ادامه حملات خود علیه نیکاراگوئه است. یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا حکم دیوان لاهه را "مردود" دانسته و اعلام کرد: دولت ریگان قبلا هم اشاره کرده بود در دو سال آینده هیچ حکم دیوان لاهه را به رسمیت نخواهد شناخت.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در گرانادا

۱۳ تن از مبارزان گرانادایی در اعتراض به اشغال کشور خود از سوی امریکالیسم آمریکا و بازداشت و حبس مبارزان این کشور بدون محاکمه قبلی، دست به يك اعتصاب غذا زدند. مبارزینی که هم اکنون در اعتصاب غذا بسر می‌برند در زمان حمله نظامی آمریکا و اشغال این کشور، دستگیر شده بودند.

آلمان فدرال از فرستاده جمهوری اسلامی اعاده حیثیت می‌کند

بقیه از صفحه ۸

به تلاشهای مشترك بمنظور ودن این "مانم" از راه گسترش بازم بیشتر مناسبات ایران و آلمان فدرال پیوسته است. به ادعای مقامات سوئیسی، اشخاص دیگری مقدار نامبرده تریاک را در چمدان طباطبائی گذاشته‌اند. بوی توطئه و پرونده سازی وقتی مشعرکننده تر به شام میرسد که میکوشند این عمل را به کسی که به ادعای پلیس سوئیس عضو حزب توده ایران است، نسبت دهند. به نوشته "اشپیکل" طباطبائی گفته است که اعضا بازداشت شده حزب توده ایران در داخل کشور در این رابطه تحت بازجویی قرار خواهند گرفت.

و اینهم یکی از ترفند های کثیف مافیائی و ضد کمونیستی کشورهای امریکالیستی و جمهوری اسلامی است که مورد استفاده قرار میگیرد تا هم زمینه اعاده حیثیت "فرستاده مخصوص" و فراهم آمدن امکان مسافرتهاى بیشتر او به آلمان فدرال برای انجام "ماموریتهاى سرى" ایجاد شود و هم همکاری با سرویسهای جاسوسى امریکالیستى در جهت گسترش هرچه بیشتر با این کشورها افزایش یابد.

اخباری از میهنمان

استقبال پرشور از معاون وزیر!

معاون وزیر کار به مناسبت روز جهانی کارگر از کارخانه ماشین سازی اراک دیدن کرد. در جلسه سخنرانی وی تعداد انگشتشماری از کارگران شرکت کردند و بابت ترتیب استقبال پرشوری از ایشان بعمل آمد!

"ایرانی"های آمریکایی شده "اموال"شان را نمی خواهند!

ثابت پاسال و هژبر یزدانی بعنوان آمریکایی تقاضای استرداد "اموال"شان را از ایران کرده و در راه پس گرفتن این "اموال" ادعایی که سر به صدها میلیون دلار میزند موفقیت هایی هم داشته اند.

چانه زنی و باج دهی پوزش طلبانه جمهوری اسلامی با غارتگران آمریکایی بر سر این مسئله نیز در دیوان داورانه جریان دارد.

پناهندگی با ۸۰۰ میلیون ریال

اخیرا مدیر ایران ناسیونال (ایران خود رو) با ۸۰۰ میلیون ریال برای خرید از ژاپن به آنجا عزیمت کرد ولی بمحض ورود به ژاپن از این دولت تقاضای پناهندگی نمود!

کاندیدای دلسوز!

محسن کشاورز کاندیدای نمایندگی دوره دوم مجلس شورای اسلامی از شهرستان کرج، برای انتخاب شدن بعد سه شبانه روز شامونه را میداد.

"مگر تکبیر برای ما مسکن می شود؟"

"خانه کارگر" نمایندگان تعاونیهایی مسکن کارگران (بیش از ۴۰ تعاونی) را دعوت کرد تا درباره مشکلات مسکن کارگران بحث و گفتگو کنند. در این جلسه بانکی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی شرکت داشتند. یکی از نمایندگان کارگران با صدای بلند گفت "چرا هی تکبیر میگویند مگر تکبیر برای ما مسکن میشود؟" یکی دیگر از نمایندگان تعاونی مسکن کارگران میگفت: ما را دعوت کردند که بگویند ریتان را کم کنید! این جلسه بدون اتخاذ تصمیمی پایان یافت اما کارگران تا حد امکان حرفهای خود را زدند.

انتخابات آزاد آزاد!

در عبدالآباد واقع در جاده بهشت زهرا عوامل رژیم برگاهی تعدادی از رای دهندگان را باز نموده و در صورت مشاهده برگ سقید و یا اسامی افرادی بجز کاندیداها، آنها را دستگیر میکردند.

۱۹ میلیون مارك باج به آلمان فدرال

قراردادی به مبلغ ۱۹ میلیون مارك با آلمان فدرال بمنظور ارزشیابی هزینه های آکتور اتمی بوشهر بسته شده است (یعنی آلمانها ۱۹ میلیون مارك میگیرند تا بگویند جقدر دیگر میخواهند). طبق این قرارداد، پنجاه نفر آلمانی از نهم ژانویه بعد ششم ماه این ارزشیابی را انجام میدهند. این قرارداد با فشار و تهدید آلمانها مبنی بر اینکه راکتورها بحال خودرها خواهند شد تحمیل شده است.

نظر انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع درباره پیش نویس جدید قانون کار

در صفحه ۲

تصحیح و پوزش

با پوزش از خوانندگان گرامی در "اکثریت" شماره ۶ صفحه ۵ ستون سوم بجای عبارت "با دیگر کارگران" اشتباها عبارت "با دیگر زنان کارگر" و در صفحه ۶ ستون دوم بجای "۶۰۰ هزار واحد صنفی" اشتباها "۲۵۰۰۰۰ واحد صنفی" آمده است.

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!

جمهوری اسلامی و تعاونی زدائی

جمهوری اسلامی به سیاست خود مبنی بر خنارج کردن تعاونیهای مصرف از مدار توزیع ادامه میدهد. اخیرا وزارت بازرگانی به کارخانه نوظهر (کلپنکس سابق) دستور داده است که ۹۰٪ محصولات خود را به بازار تحویل و فقط ۱۰٪ تولید را به تعاونیهای مصرف اختصاص دهد در حالیکه قبلا ۱۰۰٪ محصولات این کارخانه از طریق تعاونیهای مصرف توزیع میشد.

زندانیان اوین در بیمارستانها

اخیرا عده ای از زندانیان اوین را برای درمان، عکس برداری از مغز و... به برخی بیمارستانهای تهران آورده اند. این زندانیان با محافظ آورده میشوند و به کسی اجازه صحبت با آنان را نمیدهند. آثار شکنجه روی بدنها بوضوح قابل تشخیص بوده است. مامورین اوین يك سری داروهای شیمیایی (مخصوصا معالجه سرطان) را که بسیار گران هستند نیز از بیمارستانی گرفته اند.

اعتصاب دانشجویان دانشگاه تبریز

در اسفند ماه گذشته دانشجویان دانشگاه تبریز برای تحقق خواستهای صنفی خود بطور متحد - دانشجویان مسلمان انقلابی - به همراه هواداران دیگر سازمانها - دست به اعتصاب زده و تهدید نمودند که در شهر راهپیمایی خواهند کرد. طی درگیری کتبه رخ داد، چند نفر از دانشجویان دستگیر و يك تن از آنان بشدت زخمی یا احتمالا کشته شده است.

AKSARIYAT

No 7

Friday, 18 May 1984

Address آدرس
POSTFACH 23007 آلمان فدرال
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

P.O. BOX 101 انگلستان
LONDON N17 6YU
ENGLAND

P.O. BOX 66156 ایالات متحده
LOS ANGELES, CA 90066
USA

C.P. 3125 ایتالیا
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

P.O. BOX NO 3018 هندوستان
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا